

بسمه تعالی

گزارش جلسه کرسی ترویجی حجت الاسلام علی عطایی کوزانی:

هشتمین نشست از سلسله جلسات کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره دانشگاه گیلان در سال ۱۴۰۱ با موضوع **بررسی اجمالی مفهوم از خودبیگانگی از منظر علامه طباطبایی و مفهوم اگزیستانسیالیستی آن از منظر یاسپرس** روز چهارشنبه، دوازدهم بهمن‌ماه راس ساعت ۱۰:۳۰ در اتاق شورای دانشکده ادبیات و علوم انسانی برگزار شد و جناب آقای **حجت الاسلام علی عطایی کوزانی**، عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی، به عنوان صاحب کرسی به ارایه مطالب خود پرداختند.

ایشان با طرح سوال خود که از خودبیگانگی قرآنی در نگرش علامه و از خودبیگانگی در نگرش اگزیستانسیالیستی یاسپرس به چه معنا است و منشاء تفاوت آن دو چیست این نکته را مطرح نمودند که از منظر یاسپرس وجود انسان اصیل است و هر امری که این اصالت را از انسان بگیرد، او را از خودبیگانگی کرده است. وی برای توجیه این ادعا مفاهیم و مسائل اصالت وجود را برای «انسان موجود» بکار برده و مسائل جدیدی را در پیش‌روی پژوهش‌گران قرار داده که از جمله آن مسائل رویکرد متفاوت در مساله از خودبیگانگی است. در مقابل علامه طباطبایی اصالت دادن به انسان را از خودبیگانگی دانسته است. چرا که انسان چه در وجود و چه در بقای وجودش وابسته به علت‌العلل بوده و از فقر وجودی برخوردار است. پس عبور از این فقر وجودی و باور به اصالت انسان نوعی از خودبیگانگی است. به نظر می‌رسد، مهمترین چالش دو رویکرد مذکور در مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی آنان است. چه این‌که علامه به روش تحلیلی و فلسفی و یاسپرس از روش پدیدارشناسانه در ترسیم مبانی خود بهره جسته‌اند.

از نظر ایشان اگر چه اگزیستانسیالیست‌ها به دو دسته الهی و الحادی تقسیم شده و تفاوت‌هایی بین مدعیات آن وجود دارد، اما انگیزه، هدف، روش، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی مشترکی را دنبال کرده‌اند. در میان اندیشمندان اسلامی علی‌رغم تفاوت نگاه فلسفی اما در بخش انسان‌شناسی چندان تفاوتی بین حکما، اخباریون وجود ندارد. چرا که مبانی انسان‌شناختی خود را از قرآن و روایات اسلامی گرفته‌اند. هر چند که با دقت بیشتر ممکن است میان نگرش اصالت وجود با اصالت ماهیت تفاوت‌هایی دیده شود که در این پژوهش نیازی به دقت نظر در این نگرشها وجود ندارد. نباید فراموش کرد که در میان اگزیستانسیالیست‌های الهی و الحادی مباحث قابل تاملی وجود دارد از جمله درباره اصل علیت، فطرت، ترانسندنس، البته یاسپرس به عنوان یک فیلسوف الهی فقط در بهره‌گیری از این الفاظ با الحادیون تفاوت دارد و از این اصطلاحات استفاده کرده تا اشکالات فلسفی و معرفت‌شناختی نظریه‌های اسلامی را رفع نماید اما صرف استفاده از این اصطلاحات مشکل معرفتی اگزیستانسیالیسم را حل نکرده است. دکتر عطایی در ادامه به ذکر تفاوت‌های مهم میان این دو اندیشمند پرداختند و تفاوت در روش، تفاوت در هدف و رابطه علی‌اشیا را به عنوان مهم‌ترین اختلافات نظری این دو مطرح کردند. به عنوان مثال در بحث تفاوت در هدف یاسپرس هدف از آفرینش بشر را شکوفایی اگزیستانس او دانسته‌اند که برای هر فردی ممکن است با فرد دیگری متفاوت باشد. یعنی شخصی ممکن است به خواست خودش از نفسانیات خود بهره ببرد و یک حیوان به تمامه باشد و دیگری ممکن است به تمامه به ابعاد معنوی خود بپردازد که هیچ چیزی نباید مانع این خواسته باشد. اما علامه امورات نفسانی را عامل اصلی از خودبیگانگی دانسته و معتقد است که انسان به صورت ذاتی و فطری برنامه‌ای برای شکوفایی خود و شناور بودن وجود خود به همراه دارد.

پس از ذکر مطالب فوق، حجت الاسلام علی کریمیان صیقلانی به عنوان ناقد به طرح نقطه نظرات خود پرداختند. ایشان ضمن اشاره به سخت بودن موضوع مقایسه میان اندیشمندی که اختلاف مبنایی با هم دارند بر این نکته تاکید داشتند که بررسی نقاط اشتراک و افتراق آنان نیازمند اشراف فکری بالایی است و لذا صاحب کرسی باید از این لحاظ آشنایی خوبی با مباحث داشته باشد. ایشان با اشاره به وجود ابهاماتی در مطالب بیان شده توسط صاحب کرسی علت را در تلخیص زیاد نظرات علامه و یاسپرس عنوان کردند و ابراز داشتند که باید الهی بودن یاسپرس روشن شود. در اندیشه یاسپرس وجود ساخته ذهن است و و با خدای بیرونی کار ندارد. به عبادتی ذهن پدیدارها را تفسیر می‌کند و این تفسیر در گذر زمان تغییر هم می‌کند. وجود ذهن من برساخته خود من است و این در تفسیر همه چیز تاثیر می‌گذارد. به عبارتی اصلا خودی که تفسیر نداشته باشد نداریم در حالیکه در نگاه علامه کاملاً قضیه متفاوت است. در ادامه حجت الاسلام علی اقدامی تطفی هم به ارایه دیدگاه‌های خود پرداختند. ایشان پس از اشاره به برخی نکات شکلی در خصوص طرح، این نکته مورد توجه قرار دادند که باید آیاتی که علامه به خصوص در *المیزان* به عنوان شالوده بحث از خودبیگانگی مطرح می‌کند مورد توجه قرار گیرد. اینکه گفته شود هر دو در خودآگاهی مشترکند جای تردید دارد چراکه نگاهی که علامه به وجود انسان دارد کاملاً با یاسپرس متفاوت است و این تفاوت در مطالب مطرح شد چندان دیده نشد. در پایان و پس از استماع نظرات و پاسخ‌های صاحب کرسی، جلسه با ذکر صلواتی بر محمد و آل محمد(ص) پایان یافت.